



www.womensrights.org



حق زنان



انجمن

English   Swedish   در باره ما   Jourlägenhet   خانه امن انجمن   تماس با ما   عضو انجمن   کودکان و نوجوانان   پیوندها

## نامه زیلا بنی یعقوب به قاضی پرونده همسرش، بهمن احمدی امویی

۲۲ دی ماه ۱۳۸۸

تا آزادی روزنامه نگاران زندانی - زیلا بنی یعقوب، روزنامه نگار در نامه ای خطاب به قاضی پرونده همسرش، بهمن احمدی امویی که به 7 سال و 4 ماه زندان و 34 ضربه شلاق محکوم شده است، از اینکه او منتقد بودن این روزنامه نگار را دلیل مجرم بودنش دانسته، اظهار شگفتی کرده است. متن نامه به این شرح است:

آقای قاضی پیرعباس! چند روز پیش همسر من، بهمن (احمدی امویی) خبر حکمی را که شما برایش صادر کرده بودید، تلفنی از زندان به من داد: "هفت سال و چهارماه حبس تعزیری و 34 ضربه شلاق برای یک روزنامه نگار!" راستش این روزها شنیدن صدور چنین احکامی از سوی شما و همکارانتان آنقدر عادی شده است که اگر حکمی جز این می دادید، شگفت زده می شدیم.

عجیب تر اینکه چند هفته قبل از برگزاری دادگاه بهمن، یک دختر جوان که نسبت نزدیکی با او دارد، به من تلفن زد و گفت شنیده است که دادگاه انقلاب به چند نفر از متهم ها حکم برائت داده است. صدایش خیلی نگران بود و گفت: "می ترسم که بهمن هم حکم برائت بگیرد".

پرسیدم: "خب این که نگرانی ندارد".  
سرم فریاد زد: "چطور متوجه نیستی که اگر تبرئه بشود آبروی بهمن و همه خانواده می رود؟ وقتی همه زندانی های سیاسی حکم های سنگین می گیرند اگر بهمن تبرئه شود و یا حتی حکم سبک بگیرد، یعنی با بازجوهایش همکاری کرده است، یعنی آن چنان که تا به حال فکر می کردیم بهمن مقاوم و مصمم نبوده است. نمی دانی اگر بهمن حکم سبک بگیرد چقدر در دانشگاه ضایع می شوم. وقتی سعید لیلان و احمد زید ابادی و عبدالله مومنی چنین احکام سنگینی گرفته اند، هرکس حکم نگیرد ضایع می شود".

کشور عجیبی داریم آقای قاضی! که حکم برائت در آن موجب سرمشاری خواهد بود. همسر یکی از زندانی ها نیز که در انتظار صدور حکم شما بود، به شوهرش گفته بود: "واای به حالت! اگر کمتر از شش سال حکم حبس بگیرد".

آقای قاضی! وعده انقلابی که پدران ما در سال 57 کردند، این نبود که زندان های طولانی در نظام برآمده از آن، موجب افتخار باشد و حکم برائت موجب سرافکندگی.

مجبورم همین جا بگویم یکی از تهدیدهای برخی از بازجوها در زندان برای برخی از زندانی ها این بود: "اگر بخواهیم تو را خراب کنیم برایت حکم برائت می گیریم." راستی چه شده است که حتی برخی از بازجوها هم حکم برائت را موجب شرمساری می دانند.

آقای قاضی! من برای شما نامه می نویسم که بگویم حتی یک لحظه از حکمی که به بهمن داده اید تعجب نکردم اما از یک دلیل شما برای مجرم دانستن بهمن شوکه شده ام.

شما می دانید که خانم غیرت، وکیل دلسوز بهمن یکی از محورهای دفاعش از او را این قرار داده بود: "موکلم یک روزنامه نگار مستقل و منتقد است. او بنابر وظیفه حرفه ای یک روزنامه نگار، نگاهی انتقادی به پدیده ها دارد. به همین دلیل نه فقط در دوره چهار ساله دولت احمدی نژاد در مقالات متعددش برنامه های اقتصادی وی را نقد کرده که او بارها عملکرد رییس جمهور پیشین، خاتمی و دولتش را نیز نقد کرده است. بهمن نویسنده کتاب اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی است که بخش هایی از آن به نقد عملکرد دولت مهندس موسوی در دوران نخست وزیری اش اختصاص دارد".

با خبر شدم شما برای محکومیت بهمن همین دفاعیات وکیل مدافعش را مورد استناد قرار داده و نوشته اید: همین که به همه دولت ها انتقاد می کرده نشان می دهد که مغرض است [و لابد مجرم!] (نقل به مضمون)  
آقای قاضی پیرعباس! شما واقعا منتقد بودن را دلیل مجرم بودن می گیرید؟ آیا شما می دانید که وظیفه اصلی روزنامه نگاران نظارت بر قدرت و نقد آن است. روزنامه نگار با انداختن روشنایی بر نقاط تاریک جامعه تلاش می کند به اصلاح امور کمک کند. این یک اصل پذیرفته شده و بدیهی در جهان امروز است که اگر جامعه ای به اصل مترقی نقد پای بند نباشد و نقدهای دیگران را برنتابد، جامعه پویایی نخواهد بود. حتما شما هم بارها جملاتی با این مضمون را شنیده اید که اگر برنتابیدن نقد دیگران تبدیل به فرهنگ یک جامعه شده باشد، آن جامعه مسیری جز تخریب و پس رفت را طی نخواهد کرد.

من نمی خواهم شما را محکوم کنم، حتی نمی خواهم که شما را متهم به بی عدالتی کنم. سالهاست که آموخته ام انسان ها را به راحتی محکوم نکنم، حتی اگر این انسان قاضی پرونده همسر من باشد که حکم سنگین داده است. من می دانم اشکال ریشه ای تر از نحوه نگاه شخص شما به روزنامه نگاران و حرفه روزنامه نگاری

است. شما تقصیر زیادی ندارید که ویژگی های شغل روزنامه نگاری را نمی شناسید! سالهاست روزنامه نگاران فریاد می زنند که دادگاه روزنامه نگاران باید با حضور هیئت منصفه مطبوعاتی برگزار شود. با حضور کسانی که جنس کار روزنامه نگاری را می شناسند. آنها می دانند که وظیفه حرفه ای یک روزنامه نگار نگاه نقادانه به مسائل است. آنها می دانند در دانشکده های روزنامه نگاری به دانشجویان این رشته آموخته می شود که نگاهی انتقادی به دلتمردان داشته باشند و نه متملقانه .

شاید بگویید اتهام مطبوعاتی نبود! واقعا نبود آقای قاضی؟ تمام مستنداتی که شما برای محکومیت بهمین به کار برده اید به وظایف حرفه ای بهمین باز می گردد. شما او را به تبانی برعلیه امنیت ملی محکوم کرده اید. تنها دلیل این اتهام سردبیری سایت خرداد نو بوده است. آیا سردبیری یک وب سایت چیزی جز فعالیت مطبوعاتی است؟ تبلیغ علیه نظام، تبانی و توهین به رییس جمهور همه و همه اسامی مختلفی است که این روزها باز پرس های دادگاه انقلاب برای فعالیت های روزنامه نگاری بهمین و سایر روزنامه نگاران زندانی به کار گرفته اند. جز این است؟

آقای قاضی! می دانم اگر صفحه های طولانی را در وصف نقادی و جامعه نقدپذیر سیاه کنم، فایده ای نخواهد داشت چرا که احتمالا خواهید گفت این ها سوغات غرب است .

اما شنیده ام یک انسان کاملا مذهبی هستید. بنابراین در ستایش نقادی جمله معروفی از پیامبر گرامی اسلام را به یاد شما می آورم: "به چهره چالوسان و متملقان خاک بپاشید".

به همین دلیل به جای دلیل آوردن از اندیشمندان جهان در ضرورت نقد و نقدپذیری جوامع، بخش هایی از جملات یکی از دوستان حوزوی شما را به یادتان می آورم که در وصف نقادی های آقای مصطفی خمینی فرزند رهبر فقید انقلاب نگاشته است :

"ستون های علم با پیچک نقد جاذبه و طراوت می گیرد، قلب دانش با خون نقد می تپد، ساحل های ناشناخته بحث با کشتی نقد فتح می شود و قانون ظهور اندیشه های برتر در حکومت نقد سامان می پذیرد. مصطفی خمینی همه را نقد می کرد، همه زمینه ها را نقد می کرد و همیشه نقد می کرد. چرا که می دانست نقد، گوهر ذهن بشر است. نقد حد و مرز نمی شناسد. (به نقل از سایت اطلاع رسانی حوزه نت )

آقای قاضی !

اگر منتقد بودن یک روزنامه نگار برای شما نشانه غرض ورزی است، در دنیای روزنامه نگاری نشانه استقلال و حرفه ای بودن یک روزنامه نگار است. یعنی روزنامه نگاری که رها از همه وابستگی های سیاسی و جناحی سعی می کند وظیفه حرفه ای اش را انجام دهد. چرا که او یک روزنامه نگار است، یک روزنامه نگار مستقل .